

خسارات معنوی

آن در حقوق ایران



نیامده است و حقوقدانان نیز در تعریف آن وحدت نظر ندارند. البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره‌ای از عناصر مهم تشکیل دهنده خسارت معنوی اشاره شده است. مثلاً در صدر ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده است: کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده است کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد. در ماده ۹ ق. آ. د. ک نیز آمده است: ضرر و زبانی که قابل مطالبه است به شرح ذیل می‌باشد.

۲- ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی.

ذیل ماده ۵۸ ق. مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸ نیز آمده است: . . . و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام نمود.^{۱۱}

از مجموع مواد مزبور چنین استفاده می‌شود که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است ولی بی‌تردید بسیاری از خسارات معنوی محدود به این نبوده و مصادیق بسیار دیگر نیز دارد که در مواد قانون مورد عنایت قرار نگرفته است از جمله:

- ۱- صدمات عاطفی مانند بی‌توجهی غیرقابل تحمل که هر یک از زوجین به دیگری، آزدن فرزند در مقابل مادر یا پدر او یا برعکس.
- ۲- بعضی لطمات روحی از قبیل تهدید یا ترساندن شخص یا دادن خبرناگوار یا اهانت به معتقدات مذهبی و مقدسات اشخاص و امثال آن که معمولاً نه جنبه حیثیتی دارد و نه به اعتبار اجتماعی یا شخصی فرد خدشه وارد می‌سازد.
- ۳- تألمات جسمانی مانند شکنجه بدنی یا درد ناشی از ضرب و جرح و امثال آن که باز با مقولات قبل

بسیم و ضمن نقد، رویه‌های قضائی مربوط به خسارات معنوی را مدلل سازیم. طبیعی است که مقاومت در مقابل این خواست منطقی جامعه نوعی امتناع از احقاق حق محسوب می‌گردد و مآلاً ضایعات بسیاری را به دنبال خواهد داشت. کوشش ما بر این است که جهت اثبات این ادعا علاوه بر تبیین متون قانونی موجود نقطه نظرات فقهاء عظام را نیز مطرح و در حد توان بررسی نمائیم و در هر مورد برداشتهای خود را عرضه داریم تا موافقات را علامت طی طریق و مخالفان را انگیزه‌ای جهت نقد و ارائه دیدگاههای ارجح باشد.

- واژه‌های کلیدی: ۱- خسارات معنوی، ۲- جبران خسارات معنوی ۳- مصادیق معنوی ۴- مسایل حقوق زیانهای معنوی

۱- مقدمه

خسارات معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پرابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست زیرا با این که در متون قانونی متعدد به کار رفته و در نوشته‌ها و تألیفات حقوقدانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اما در هیچ یک از متون مزبور تعریفی از خسارت معنوی به عمل

خلاصه

بحث از خسارات معنوی و مصادیق مختلف آن و روش محاسبه و جبران زیانهای معنوی و در نهایت رویه محاکم قضائی در مقام رسیدگی به دعاوی راجع به این گونه خسارات از موضوعات جالب و در عین حال نسبتاً پیچیده علم حقوق و تحقیقات حقوقی است. علی‌رغم وجود زمینه‌های مناسب در متون قانونی جهت امکان جبران خسارات معنوی هنوز اکثریت قریب به اتفاق محاکم از صدور حکم در مورد دعاوی بخواسته خسارات معنوی خودداری می‌نمایند و بر نظریه مورخه ۶۴/۹/۵ شورای نگهبان پافشاری می‌کنند، در صورتی که متون قانونی فعلی به اندازه کافی روشن می‌باشد و موجبات احقاق حقوق بسیاری از خسارت دیدگان که در قلمرو حقوق معنوی زیانهای جبران ناپذیری تحمل کرده‌اند کاملاً فراهم است. سعی ما بر این است تا در این نوشته پس از شرح کوتاهی از معنی و مصادیق خسارات معنوی به توضیح مقررات متعدد و ضوابط موجود در

تصریحات متعددی به این مقوله شده است از جمله:
 ۱- روایت زراره از امام باقر (ع) راجع به قضیه سمه بن جندب که به روایت لا ضرر نیز معروف است.^{۱۱۱} و عبارت اصلی حدیث چنین است: ... اذهب فاقلها وارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار ...

۲- روایت ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) راجع به رم دادن شتر و بر زمین خوردن راکب آن که حکم جبران خسارات (اعم از مادی و معنوی) صادر فرموده اند.^{۱۱۲} متن اصلی این روایت چنین است: ... کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه .

۳- روایت ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) که در مورد مسؤلیت ناشی از اضرار به مسلمین صادر شده است.^{۱۱۳} متن اصلی روایت که با حدیث بالا شباهت دارد چنین است: کل من اضر بشی من طریق المسلمین فهو له ضامن .

در بسیاری از کتب فقهی نیز به مسئله خسارات معنوی اشاره و بعضی از آنها مورد بحث و تجزیه و تحلیل واقع گردیده است. مثلاً خوانساری^{۱۱۴} که از شاگردان میرزا مرحوم نائینی است می نویسد: ضرر عبارتست از فوت چیزی که انسان آن را واجد است، خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا عضوی از اعضاء بدن ... قبل از ایشان مرحوم عبدالفتاح مراغی^{۱۱۵} می نویسد: هتک عرض از مصادیق ضرر حقیقی است و امثال آن ضرر محسوب می گردد. ادعای این که ضرر متصرف به مال یا بدن است و شامل امثال هتک عرض نمی شود، حرف بی جایی است بلکه حق این است که این گونه ضایعات مصداق ضرر است.

آیت ا... مکارم شیرازی نیز در تعریف ضرر می نویسد: ضرر از دست دادن هر چیزی است که ما واجد آنیم و از آن نفع می بریم از مواهب حیات یا نفس یا مال یا عرض ...^{۱۱۶}

۴- ضرورت جبران خسارت معنوی یکی از اصول مهم حاکم بر روابط اجتماعی اصل ضرورت جبران زیانهای وارده بر اشخاص به وسیله دیگران یا قاعده مسؤلیت مدنی به معنای خاص است. برخی حقوق دانان غربی این اصل را یکی از سه اصل اساسی حاکم بر روابط حقوقی انسانها دانسته اند.^{۱۱۷} عده ای از فقهای بنام اسلام نیز در تفسیر قاعده معروف لا ضرر که از مهمترین و متداولترین قواعد فقه است معتقدند هدف از تشریح این قاعده معروف که چکیده بیان پیامبر بزرگ اسلام در واقعه تجاوزگری فردی به حریم خانوادگی یکی از انتصار می باشد، عبارتست از:^{۱۱۸}

- ۱- محکوم کردن روحیه تجاوزگری و ارتکاب اعمال زیانبار علیه دیگران.^{۱۱۹}
 - ۲- تأکید بر رعایت و حفظ اعراض و نوامیس انسانها و خودداری از تعدی به حریم معنوی دیگران.^{۱۲۰}
 - ۳- تأکید بر ضرورت جبران هر گونه خسارت اعم از مادی یا معنوی که به افراد وارد می شود.^{۱۲۱}
- در تأکید بر این مطلب موسوی بجنوردی در مقام

شایع ترین روشهای جبران خسارت، پرداخت مابازاء مالی به خسارت دیده است.

دوم این که در قوانین مدنی از جمله قانون مسؤلیت مدنی (۱۳۳۹) که مناسبترین جا جهت طرح خسارات مادی و معنوی است نیز با شرح کامل خسارت معنوی مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. در ماده یک این قانون آمده است: «هر کس ... به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شرف تجارته یا حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.» در این ماده همانند ق. اساسی خسارت معنوی در عرض خسارت مادی تلقی شده، عامل را صریحاً مسئول جبران خسارت وارده دانسته و در مواد ۲ و ۸ و ۹ و ۱۰ همین قانون باز هم خسارت معنوی مورد توجه و حکم قرار گرفته است. در مواد ۲ و ۹ و ۱۰ زیان معنوی با صراحت مطرح ولی در ماده ۸ قانون مزبور از خسارت معنوی به زیان وارد بر حیثیت و اعتبارات و موقعیت (شخصی یا خانوادگی) تعبیر شده است.

به هر حال در موارد چهارگانه مذکور خسارت معنوی موجب مسؤلیت و در نتیجه مستلزم جبران شناخته شده است. در ماده ۳۰ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ نیز مسئله خسارات مادی و معنوی به طور تلویحی مطرح شده است که البته روند تصویب ماده مزبور دلالت بر نظر مثبت قوه مقننه بر ضرورت توجه خاص به خسارات معنوی دارد.^{۱۲۲} پیش از قوانین مدنی، در قوانین کیفری نیز خسارات معنوی مطرح و موضوع حکم قرار گرفته است.

جمله ای از این موارد به شرح زیر می باشد:
 ۱- صریحتر از سایر متون قانونی کیفری در ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر گردیده: «ضرر و زیانی که قابل مطالبه است ...»
 ۲- ضرر و زیان معنوی که عبارتست از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی.»

۲- در ماده ۱۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ نیز خسارت معنوی در کنار خسارات مادی مورد توجه واقع شده است. در متون قوانین کیفری سابق که بعضی از آنها هنوز منسوخ نگردیده بیش از متون موجود بر این مهم تأکید شده است. از جمله در مواد ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی سابق و تبصره ۱ ماده ۲۰ ق. مطبوعات سابق قانونگذار با صراحت ترتیب تعیین مابازاء مالی در قبال خسارت معنوی را مقرر داشته است.

۳- جایگاه خسارت معنوی در متون فقهی علاوه بر قرآن کریم که در بعضی آیات به منع ایراد خسارت (اعم از مادی و معنوی) اشاره دارد^{۱۲۳} و در بعضی دیگر با اندیشه ایراد خسارت معنوی به شدت مبارزه شده است.^{۱۲۴} در متون روایتی نیز اشاره و

کاملاً متفاوت است.^{۱۲۵} لذا به منظور یافتن تعریفی جامع و مانع از این پدیده ابتدا نظرات برخی نویسندگان و محققین را در این قلمرو مرور و در نهایت تعریفی که کاملتر به نظر می رسد انتخاب می کنیم.

احمد ادریس زیان معنوی را چنین تعریف می کند: زیان معنوی (یا ادبی) زیانی است که بر شعور، احساسات، آبرو، شخصیت و اعتبار انسان مترتب می شود.^{۱۲۶} جعفری لنگرودی خسارت معنوی را چنین تعریف می کند: ضرری است که به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب او وارد می شود.^{۱۲۷} حسینی نژاد در شبه تعریفی از خسارت معنوی آورده است: خسارت معنوی عبارت است از آسیب رساندن به حق شخصیت و تألم جسمی و یا آسیب روانی و یا آسیب به احساسات عاطفی.^{۱۲۸} کاتوزیان در تعریفی کوتاه خسارت معنوی را صدمات وارد به منافع عاطفی و غیرمالی دانسته است.^{۱۲۹}

در بین تعاریف فوق تعریف اول کاملتر و جامع تر به نظر می رسد، اما به لحاظ این که در تعریف مذکور نیز به درد جسمانی اشاره روشنی نشده است و از طرفی بین شعور و احساسات مرز روشنی نمی توان ترسیم کرد، بهتر است خسارت معنوی چنین تعریف شود: هر گونه ضایعه و زیان غیرمجاز را که از هتک حیثیت و یا لطمه به اعتبار اجتماعی یا فردی شخص و یا به لحاظ تألمات جسمانی و یا روحی و بالاخره به سبب صدمت عاطفی حاصل می شود، خسارت معنوی گویند.

۲- جایگاه خسارت معنوی در قوانین جاری کشور به وجهی که قبلاً اشاره شد در قوانین جاری ایران خسارت معنوی به طور جدی مورد عنایت قرار گرفته و قانونگذار چه در قانون اساسی و چه در قوانین مدنی

یکی از اصول مهم حاکم بر روابط اجتماعی اصل ضرورت جبران زیانهای وارده بر اشخاص به وسیله دیگران یا قاعده مسؤلیت مدنی به معنای خاص است

و عمدتاً در قوانین کیفری خسارات معنوی را از موجبات مسؤلیت و مستلزم جبران دانسته است. به این نحو که: اول در قانون اساسی، در اصل ۱۷۱ آمده است: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود.» در این قانون که اصول مهم حقوقی و بنیادهای اصلی نظام مطرح گردیده ضرر معنوی در عرض و هم عرض ضرر مادی مطرح و مورد عنایت قانونگذار قرار گرفته و به وضوح وارد کننده خسارت معنوی را در مسئول یا ضامن قلمداد کرده است و طبعاً متضرر را مستحق مطالبه خسارت ناشی از ضرر معنوی می شمارد و به تفصیلی که خواهیم دید یکی از

پاسخ به این ایراد که چرا در قضیه سمره بن جندب به جای تنبیه عامل زیان دستور قطع درخت خرما و دور انداختن آن صادر شده می‌نویسد: تقدیم حق انصار بر حق سمره از باب اهمیتی است که اسلام برای اعراض که تعرض به آن مصداق بارز ضرر معنوی است قائل گردیده است.^{۳۱۱} علاوه بر جهات فوق که از مصادیق دلالت نقلی محسوبند، دلالت عقلی مقنی بر ضرورت جبران خسارت معنوی وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

الف - از مقایسه آنچه که تحت عنوان مال در علم حقوق مطرح می‌شود با آنچه به کرامت و ارزش انسان و حیثیت یا نوامیس او مربوط است چنین نتیجه می‌شود که بین این دو مقوله تفاوت بسیار است. یعنی ارزش مال هر چند پر بها در مقابل ارزش و والائی انسان و روحیات او قطره‌ای است در مقابل دریا.

اگر ایجاد خسارات مادی در همه شرایط یا برای همه افراد یا نسبت به همه افراد فراهم نباشد ایراد خسارات معنوی کمترین مؤونه‌ای را لازم ندارد

ب - ضایعات وارده از ناحیه دیگران بر خود انسان (اعم از ضایعات روحی، بدنی عاطفی و نوامیس) معمولاً خسارت بارتر و تحول‌ناپذیرتر است از خسارات و ضایعات مالی.

ج - با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی از طرفی و تلطیف روز افزون روحیات انسانها و مطرح شدن هر چه بیشتر کرامت انسانی موجبات ایراد خسارات معنوی به افراد از یک طرف و ضرورت جبران این گونه خسارات از طریق دستگاههای قضائی و قانونگذار از طرف دیگر بیشتر احساس می‌شود. به عبارت دیگر خسارات مادی وارده به اشخاص ضروری می‌نماید و اگر عدم جبران این گونه خسارات موجب تجری متجاوزان و پایمال شدن حقوق حقه خسارت دیدگان می‌شود به مراتب افزونتر جبران خسارات معنوی وارده به افراد ضرورت دارد. زیرا اگر ایجاد خسارات مادی در همه شرایط یا برای همه افراد یا نسبت به همه افراد فراهم نباشد ایراد خسارات معنوی کمترین مؤونه‌ای را لازم ندارد.

اگر بعضی افرادی بدون کوچکترین دغدغه به خود اجازه می‌دهند به دیگران اهانت کنند، تهمت بزنند، بدآموزی نمایند، اسرار دیگران را فاش کنند، پیمانهای عاطفی را مخدوش سازند، کودکان را اغوا نمایند، مفاسد اخلاقی را رایج سازند و اشاعه اکاذیب نمایند، معمولاً به جهت کم عنایتی اکثر مراجع قانونی و قضائی به فراهم کردن ضمانت اجرای مؤثر برای این گونه خسارات است. اگر حقوق تضییع شده جامعه از طریق مجازات عاملین خسارات معنوی مذکور تا حدی احقاق حق بشود اما حقوق حقه اشخاص و لطمات جسمی و روحی که بعضی از آنها تحمل می‌کنند کمتر استیفاء می‌گردد. این در حالی است که در متون حقوقی

ارزشمند اسلام به شرحی که گذشت به این مهم اهتمام شده است و صاحب نظران توأمند این رشته ضرورت تدارک هر خسارت معنوی را همانند زیانهای مادی خاطر نشان کرده‌اند. در اینجا به دو نمونه از تحلیلهای فقهی متکی بر قواعد فقه که از ابزارهای بسیار مؤثر در کشف احکام حقوقی محسوب می‌شوند می‌پردازیم:

الف - استناد به قاعده «لا ضرر»

به وجهی که اشاره شد قاعده لا ضرر در حقوق اسلام کاربرد بسیار دارد، هدف اصلی تشریح این قاعده مهم فراهم کردن موجبات جبران خسارت وارده به افراد بوده که مصداق بارز آن خسارات معنوی است. به کیفیتی که در کتب تاریخی مضبوط است بنا به نقل مورخین و وقایع نگاران اسلامی در داستان سمره، زیان مالی مطرح نبوده است، بلکه پیامبر بزرگ اسلام (ص) به قصد جلوگیری از تجاوز فردی به

حریم خانوادگی یکی از مسلمانان مبادرت به صدور دستوری نمودند که قاعده لا ضرر از آن استنتاج

گردید. زیرا همان طور که می‌دانیم سمره بن جندب که مالک درخت خرمایی در محوطه منزل مسکونی یکی از انصار بود حق مالکیت خود مستمسک ورودگاه و بیگاه خود به منزل آن صحابی قرار می‌داد و از این طریق موجبات هتک حرمت خانواده و را فراهم می‌آورد، مسلمان مورد تعرض حضرت رسول (ص) را به دادخواهی طلبید. حضرت نیز ابتدا در صدد نصیحت کردن متعددی برآمدند و چون نصایح مؤثر واقع نشد دستور کشیدن درخت و خشکاندن ریشه فساد و ایراد خسارات معنوی را صادر کردند.

ب - استناد به قاعده «نفی حرج»

قاعده نفی حرج مفهومی شبیه قاعده لا ضرر دارد به این معنی که هر امر موجب سختی یا عبرت و مضیقه در اسلام نفی شده است. بنابراین همانطور که آیت . . . مرعی بیان داشته است: . . . روشن است که اگر کسی خسارت مالی یا بدنی بر کسی وارد آورد و از عهده خسارت وارده بر نیاید او را (زیان دیده را) در معرض ضیق و تنگی قرار داده است و این از نظر شارع ممنوع است.^{۳۲۰}

۵ - شیوه‌های جبران خسارات معنوی

برای جبران خسارات مادی در متون قانونی شیوه‌های متداول و شایع و در عین حال نسبتاً ساده‌ای پیش بینی شده است که در اجرای اصل اعاده وضعیت زیاد دیده به حالت قبل از ورود خسارت شامل سه روش متعارف زیر است: دادن عین مال خسارت دیده یا مثل یا قیمت آن که به ترتیب مورد عمل واقع می‌شود ولی هنوز برای جبران خسارات معنوی شیوه مشخص و روشنی پیش بینی نشده است. دلالت نارسائی شیوه‌های جبران در خسارات معنوی جهات مختلفی دارد که موارد زیر را می‌توان

به عنوان علل اصلی بر شمرد:

۱ - بعضی حقوق دانان فرانسوی خسارات معنوی را قابل جبران نمی‌دانند. اینان معتقدند:

الف - خسارات معنوی دارای ماهیت خاص می‌باشند و با روحیات و عواطف انسانها ارتباط تنگاتنگ دارند. در نتیجه امکان ترمیم صدمات روحی و عاطفی و حتی ضایعات جسم به سادگی مقدور نیست. چگونه می‌توان عضو از دست رفته انسانی را به حالت نخست برگرداند و چشمی را که در اثر صدمه وارده از ناحیه دیگری نابینا شده یا گوشی که ناشنوا گردیده است ترمیم کرد و به طریق اولی ترمیم عواطفی که جریحه دار شده، روانی که آزرده گردیده و رنجی که بر شخص تحمیل شده است، نیست.

ب - هیچ وسیله اطمینان بخشی جهت جبران خسارت معنوی نمی‌توان یافت زیرا ارزیابی میزان خسارات معنوی و تعیین معادل یا مابازاء این گونه خسارات مقدور نیست.^{۳۲۱}

۲ - به لحاظ اشکالات عملی فوق الذکر از طرفی و احیاناً شیوع بیش از حد زمینه‌های ورود خسارات معنوی به افراد در جامعه ایران^{۳۲۲}، محاکم قضائی کمتر خود را درگیر این گونه مسائل پیچیده و پردردسر می‌نمایند. به ویژه این که تعداد پرونده‌ها در امور حقوقی و کیفری به حدی است که مجالی جهت پرداختن به این امور که از ظرافت خاصی برخوردار بوده و اظهارنظر در مورد آن به حداقت فراوان نیاز دارد نمی‌ماند.

۳ - صدور فتوی یا نظریه مورخه ۶۴/۹/۵ شورای نگهبان در رابطه با قانون مطبوعات که تفصیل این نظریه در صفحات آینده مقاله درج شده است، با این وجود و با توجه به مواد و متون قانونی سابق الذکر و همچنین مستندات فقهی و در نهایت دلایل عقلی متعددی که در قبل مورد بحث قرار گرفت، مسئله ضرورت جبران خسارت معنوی امری مسلم و غیرقابل تردید است. نظر غالب بین حقوق دانان و فقهاء خود مؤید این مسئله است:

آنچه بیش از این موضوع (ضرورت جبران خسارات معنوی) مورد بحث و اختلاف نظر واقع شده شیوه‌های جبران آن و طرقی است که به این منظور مورد عمل قرار گرفته است.

روشهای متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود بدین شرح است:

- ۱ - موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر.^{۳۲۵}
- ۲ - عذر خواهی شفاهی از خسارت دیده.^{۳۲۶}
- ۳ - عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتذار در جراید.^{۳۲۷}
- ۴ - اعاده حیثیت از خسارت دیده به هر نحو دیگر.^{۳۲۸}
- ۵ - پرداخت مال یا مابازا مادی به خسارت دیده.^{۳۲۹} از میان شیوه‌های فوق در متون قانونی به مورد نخست کمتر اشاره شده است. تنها در ماده ۸ قانون مسؤولیت مدنی به این شیوه توجه شده است. از عبارت ماده چنین استنباط می‌گردد که قانونگذار در مقام بیان مناسب جبران خسارات وارده به اعتبارات و

حیثیات تجاری یا حرفه‌ای می‌باشد. این مقوله بیشتر در چارچوب خسارات معنوی می‌گنجد و تنها موارد نادری از خسارات معنوی را شامل می‌شود. به شرط این که: اول، در اثر تصدیقات یا صدور گواهیهای غیرقانونی یا نشر مطالب خلاف واقع حیثیت و آبروی کسی در معرض تجاوز قرار گرفته باشد و دوم: از این بابت شخص متضرر گردیده باشد و سوم: از طریق موقوف نمودن عملیات مزبور بتوان رفع خسارت نمود. اما در واقعه سمره که شرح آن گذشت^{۱۳۱} تمسک به این شیوه بارزتر می‌نماید، زیرا علیرغم خسارات معنوی مسلمی که به لحاظ بی حرمتی به حریم منزل شخص شاکی وارد گردیده در متن حدیث هیچ گونه بیانی بر تعیین ترتیب جبران این خسارت نشده است و رسول گرامی اسلام (ص) تنها با صدور دستور قطع درخت رفع خسارت نموده‌اند. به نظر نگارنده در شرایط جامعه صدر اسلام و حاکمیت بسیاری از تعصبات جاهلی شاید بهترین وسیله جبران این خسارت معنوی همان کندن درخت بوده که در عین حال بهترین تسلی و پشت گرمی برای شاکی و زجرآورترین تنبیه برای متجاوز محسوب می‌شده است.

موارد دوم و سوم نیز تنها در صدمات معنوی کم اهمیت و جزئی کاربرد دارد و بعضی از آنها مؤثر است و الا خسارات عظیم حیثیتی یا آبرویی یا ناموسی و عاطفی از قبیل بدنام کردن یک فرد یا خانواده، جریحه دار کردن عواطف افراد، وارد کردن فشارهای روحی شدید چگونه از طریق معذرت خواهی یا درج اطلاعیه‌ای در روزنامه و امثال آن جبران یا حتی تعدیل می‌گردد.

مورد چهارم نیز با این که ذیل اصل ۱۷۱ ق. اساسی به کار رفته مصداقی جز موارد سه گانه فوق یا مورد پنجم ندارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤثرترین وسیله ممکن جهت جبران خسارات معنوی مورد پنجم یعنی پرداخت مال یا مابازآ مادی به خسارت دیده^{۱۳۲} است. زیرا همان طور که اشاره شد در بسیاری از موارد که صدمت روحی و عاطفی شدید است کمتر می‌توان با اعتداری

شفاهمی یا کتبی رنج و آلام و صدمات روحی خسارت دیده را التیام بخشید و چه بسا تأثیر چندانی بر جراحات درونیش نگذارد. مجازاتها و ضمانتهای اجرائی کیفری نیز صرفاً برای حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق عمومی است، در حالی که خسارات شخصی زیان دیده می‌باشد. بنابراین باید اذعان نمود که هیچ وسیله‌ای مؤثرتر و کارا تر از پرداخت وجه یا انتقال مال با رعایت تناسب بین فشارهای روحی وارده و مابازآ مادی آن نمی‌توان به دست داد لذا:

اول: این طریقه جبران خسارات معنوی در نظامهای حقوقی غرب که تجربه طولانی تری در این زمینه دارند جایگاهی وسیع یافته است. در این نظامها قوای مقننه با تصویب قوانین متعدد و صریح روشهای مطلوبی را جهت جبران خسارات معنوی به روش مادی مقرر داشته‌اند. محاکم قضائی به ویژه دادگاههای عالی نیز بر ضرورت جبران خسارات معنوی از طریق پرداخت پول یا اموال مادی پا فشرده‌اند.^{۱۳۳}

علاوه بر اینها محققین غربی تحقیقات جامع الاطرافی در این مورد انجام داده‌اند که به عنوان نمونه به یک مورد از این گونه تحقیقات اشاره می‌شود «کانیله»^{۱۳۴} به هدف تعیین میانگین خسارات معنوی وارده بر افراد در رابطه با از دست دادن خویشاوندان نزدیک ناشی از ارتکاب جرائم در سال ۱۹۳۸ در یک بررسی آماری دقیق حقوقی قریب ۵۰۰ رأی صادره بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ در دادگاههای استیناف شهرهای پاریس، زن، مونبلیه و نیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و چنین نوشته است: «... محاکم مزبور برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ همسر به طور متوسط مبلغ ۲۴۸۶۲ فرانک فرانسه (میانگین حاصل از حداقل ۱۰ هزار و حداکثر ۸۰ هزار فرانک) و برای جبران عم و غصه ناشی از مرگ پدر یا مادر مبلغ ۳۹۶۴۸ فرانک (میانگین حاصل از حداقل ۱۰ هزار و حداکثر ۵۰ هزار فرانک) و برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ یک فرزند مبلغ ۱۵ هزار و ۴۹۰ فرانک تعیین کرده‌اند.

دوم: نظام حقوق ایران در مواردی صریحاً و در مواردی تلویحاً بر این مطلب تأکید دارد. در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی پس از ذکر مصداقی بارز از خسارات معنوی آمده است: «... دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارات مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر... نماید» در این ماده به روشنی جبران مالی خسارات معنوی پیش بینی شده است، اما در مواد ۱، ۲، ۸ و ۹ قانون مزبور و اصل ۱۷۱ قانون اساسی به طور ضمنی اشاره دارد مثلاً در سال ۷۱ آمده است: «... در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است.»

سوم: بسیاری از صاحب نظران و حقوقدانان قویاً بر مؤثر بودن این طریقه (پرداخت وجه یا انتقال مال) صحنه گذاشته و آن را به عنوان وسیله‌ای مناسب جهت جبران خسارات معنوی پذیرفته‌اند. در زیر به چند مورد آن اشارت می‌رود:

۱- شاید پر سابقه‌ترین نظر و عملکرد در این زمینه اقدام حضرت علی (ع) در واقعه‌ای باشد که طی آن یکی از سرداران اسلامی از چارچوب اختیارات خود تخطی نمود و تعدیاتی را بر عده‌ای از افراد روا داشت، حضرت علی (ع) مأمور جبران خسارات وارده بر این قوم می‌شود و طبق سوابق تاریخی موجود حضرت، عوض بیم و خوفی را که زنان و کودکان به دلیل تاخات و تاز اسبان تحمل کرده بودند می‌پردازد.^{۱۳۵}

احمد ادریس می‌نویسد: «من فکر نمی‌کنم که هیچ کس در جواز تعویض در زبانهای ادبی (معنوی) از حضرت علی (ع) پیشی گرفته باشد.»^{۱۳۵}

۲- عاملی به نقل از کاپیتان میگوید: «پول مرهم بسیاری از دردها و متاعب است.»

۳- عاملی در این زمینه می‌گوید: به نظر ما هر چند



خسارت معنوی به هر مبلغی که تعیین شود نمی تواند کاملاً جبران صدمات معنوی و روحی وارده به زیان دیده را بنماید ولی چون راهی برای جبران صدمات مزبور نیست پرداخت خسارت معنوی به زیان دیده می تواند تا حدی موجب تسکین خاطر او گردد.^{۳۷۰}

۴- حسینی نژاد، می نویسد: «رویه قضائی در فرانسه هیچ گاه در ترمیم خسارت معنوی تردید نکرده است منتهی میزان مبلغی که در دعوی خسارت معنوی بدان حکم داده می شود معمولاً کمتر از میزان خسارت مادی است.»^{۳۷۱}

۵- کاتوزیان نیز می نویسد: «به نظر می رسد که مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بحث درباره امکان صدور حکم به جبران خسارت معنوی با بیهوده می سازد و ضرر معنوی را در کنار زیانهای مادی قابل مطالبه اعلام می کند.»^{۳۷۲}

۶- احمد سنهوری می نویسد: «جمهور فقهاء در عصر قائل به جواز جبران خسارت معنوی هستند. . . و در کشور مصر قوانین و رویه قضائی قائل به جواز جبران خسارت معنوی شده اند و در قانون مدنی جدید مصر بر این اصل تأکید شده است.»^{۳۷۳}

علیرغم دلائل روشن و تردیدناپذیر فوق نظرات مخالفی نیز در این مورد ابراز شده است که صریحترین مخالفت با پرداخت مایه‌آزم مالی در مقام جبران خسارت معنوی نظری است که شورای نگهبان در تاریخ ۹/۵/۶۴ در مورد تبصره یک ماده ۳۰ طرح قانونی مطبوعات ابراز نموده است. متن تبصره مصوب که مورد ایراد شورای مزبور واقع شده چنین است: «تبصره ۱: در موارد فوق (منظور مواردی مثل تهمت و افترا یا فحش یا الفاظ رکیک است که در ماده آمده و همگی از مصادیق خسارات معنوی محسوبند) شاکی . . . می تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد.»

شورای نگهبان در مقام اظهار نظر در خصوص این تبصره چنین مرقوم داشته است: «در تبصره یک ماده ۳۰ که طرح دعوی خسارات معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن شده تقویم خسارات معنوی به مال یا امر مادی مغایر موازین شرعی است. . . . جالب تر این که مجلس شورای اسلامی بعد از دریافت این نظریه تبصره پیشنهادی را به شرح زیر اصلاح نمود: «در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب را صادر نماید.»

اما مجدداً شورای نگهبان ایراد خود را تکرار نموده و به مجلس عودت داد، در این مرحله مجلس جمله «مادی و معنوی» را از ماده مورد نظر حذف کرد.^{۳۷۴} این بار مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.^{۳۷۵} مبانی استدلال شورای نگهبان در خصوص نظریه

فوق به دلیل عدم دسترسی به مشروح مذاکرات شورا بر ما روشن نیست. اما مفاد این نظریه با سایر متون قوانین موضوعه هماهنگ نیست و مغایرتهایی وجود دارد که ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می شود:

اول: اصل ۱۷۱ قانون اساسی به شرحی که در گذشت به طور دقیق به خسارات مادی و معنوی اشاره دارد و به وضوح صحبت از جبران خسارت (اعم از مادی و معنوی) به وسیله دولت یا ضمانت قاضی به میان آورده است و این در حالی است که بخشی از وظیفه شورای نگهبان تشخیص موارد مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی است.

دوم: ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی که از قوانین معتبر و مورد عمل محاکم و دست اندرکاران حقوق در ایران است به خسارات معنوی در کنار خسارات مادی و همچنین به مسئله ضرورت جبران خسارات مالی بازاا این گونه خسارات تصریح دارد. علاوه بر این که در سایر مواد همین قانون به این قاعده تلویحاً اشاره شده است.

سوم: در متون قوانین کیفری به شرحی که گذشت به دفعات به خسارات معنوی و مادی و ضرورت جبران آن به روش متناسب اشاره شده است که با توجه به توضیحات مبسوط مندرج در صفحات قبل از تکرار آن خودداری می شود.

چهارم: در کتاب چهارم از قانون مجازات اسلامی در باب دیات مواد ۲۹۴ و ۲۹۵^{۳۷۶} به وجهی تنظیم شده که تردیدی در «نوعی جبران خسارت معنوی بودن دیات» باقی نمی گذارد.

زیرا در ماده ۲۹۴ دیه به عنوان «مالی» که به سبب بر نفس یا عضو مجنی علیه یا به اولیاء دم او داده می شود تلقی می گردد و در بند الف ماده ۲۹۵ یکی از موارد پرداخت دیه قتل یا جرح یا نقص عضو که ناشی از خطا باشد تعیین گردیده است، در حالی که برای امکان مجازات فرد بایستی سوء نیت مرتکب محرز گردد. در اصطلاح حقوق جزا سوء نیت یکی از ارکان مسؤلیت کیفری است و آنچه بدیهی است در جرائم خطائی هیچ گونه سوء نیتی متصور نمی باشد.

آیت اله مرعشی در تبیین این مسئله که دیه طریقه ای جهت جبران خسارات وارده به نفس است

دعاوی راجع به خسارات معنوی

در محاکم قضائی ایران بسیار مهجور مانده

و بیشتر قضات عنایت چندانی به این گونه

دعاوی نکرده اند

تحلیل جالبی دارند که به لحاظ شیوائی بیان عیناً نقل می گردد. ایشان چنین می فرماید: «بعضی حقوقدانان معتقدند دیه مجازات است و در قانون دیات به عنوان مجازات مطرح گردیده. . . اما هیچگونه دلیلی برای اثبات این مطلب ارائه نشده است. از روایات وارده در باب دیات چنین استفاده می شود که دیه برای جبران ضرر و زیانهای بدنی تعیین شده است زیرا ؛ اولاً: دیه در مقابل (در عرض) ارزش قرار گرفته

است.^{۳۷۷} ثانیاً: مجازاتهای اسلامی همیشه در مقابل معصیت و گناه می باشد و دیه در غالب موارد در مقابل افعال خطائی مقرر می گردد.

ثالثاً: عاقله که گاهی مسئول پرداخت دیه است خواه خویشاوندان جانی باشند و یا امام (دولت) معنی ندارد که مجازات شوند و اگر دیه مجازات باشد باید گفت که افراد بیگناه از نظر فقه اسلامی قابلیت تعقیب کیفری را دارند و این برخلاف عدالت و منطق عقل مستقیم و فکر سلیم می باشد. علاوه بر این که در بسیاری از روایات به ضمان دیه تعبیر شده است و ضمان ظهور در مسؤلیت مالی دارد نه مجازات.^{۳۷۸}

پنجم: اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ سؤالی به این مضمون «آیا به تبع امر جزائی می توان دادخواست ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم به دادگاه تقدیم نمود یا خیر؟ و دادخواست مذکور قابل رسیدگی است یا نه؟» مقرر داشته «مقررات مربوط به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی من جمله ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری نسخ نشده و اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است. بنابراین مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از جرم جنبه قانونی دارد.»

در این نظریه، اداره حقوقی قوه قضائیه که از مراجع معتبر حقوقی کشور می باشد و در شورای بررسی استفتائات حقوقی آن تعداد معتنابهی حقوقدانان مجرب و پرسابقه حضور دارند به وضوح تمایل خود را بر ضرورت جبران خسارات معنوی از طریق مایه‌آزم مالی ابراز داشته است. زیرا به کار بردن اصطلاح «مطالبه» در مقام جبران خسارات معنوی که دارای بار حقوقی خاص می باشد و همواره در مقام درخواست پرداخت اموال یا وجوه مالی به کار می رود دلیل روشنی بر این امر محسوب می گردد.

۶- نتیجه گیری

آنچه از مجموعه مطالب مندرج در این نوشته می توان نتیجه گرفت در چند محور زیر خلاصه می شود.

۱- خسارت معنوی در قلمرو حقوق مدنی به ویژه در عرصه مسؤلیت مدنی جایگاهی مهم و اساسی دارد.

۲- خسارات معنوی دارای

مصادیق بسیار متنوع و متعدد می باشد و محدود به حد تنگ حیثیت و صدمه به اعتبارات شخصی و اجتماعی نمی شود.

۳- دعاوی راجع به خسارات معنوی در محاکم قضائی ایران بسیار مهجور مانده و بیشتر قضات عنایت چندانی به این گونه دعاوی نکرده اند و اگر هم مدعیان را جدی ببینند آنان را به اغماض و چشم پوشی از دعاوی خود دعوت نموده اند و یا حداکثر موضوع را از طریق صلح و سازش فیصله داده اند.^{۳۷۹}

از حدود ۱۰۰ پرونده حقوقی و کیفری که ضمن طرحی تحقیقی در طول سالهای ۶۵ تا ۷۰ مورد

مراجعه اینجانب قرار گرفته است به یک مورد از دعاوی مربوط به خسارت معنوی که به وسیله محاکم قضائی رسیدگی و رأی صادر شده باشد برخوردارم. در حالی که به عقیده نویسنده یکی از راههای مؤثر اشاعه فرهنگ غنی اسلام حرمت نهادن به کرامت انسانی و رعایت حریم والای انسانیت است که متأسفانه در جامعه اسلامی امروز ما سخت در معرض خدشه و اسائه قرار گرفته است. امروز یکی از وظایف بسیار مهم و جدی دستگاههای قضائی و اجرایی و قانونگذاری کشور پرکردن خلأهای ناشی از نارسائی قوانین و یا فقدان رویه های قضائی روشن و بالاخره نبودن ضمانت های اجرایی محکم در موارد مخدوش شدن حیثیات و اعتبارات شخصی و اجتماعی افراد و لگدمال شدن عواطف و احساسات انسانها است.

با توجه به توضیحات فوق پیشنهاد می شود:

۱- مجلس شورای اسلامی در متون قانونی مربوط به ویژه در بررسی و تصویب دو لایحه قانونی آئین دادرسی مدنی و آئین دادرسی کیفری که جایگاه اصلی طرح ضوابط راجع به خسارات معنوی است با پیش بینی موادی گویا و جامع خلأ موجود را پر نمایند و قاعده مهمی را که اصل ۱۷۱ قانون اساسی پایه گذاری کرده است گسترش دهند و مسئله را به روشنی عرضه دارند.

۲- قوه قضائیه و محاکم قضائی کشور که دومین منبع معتبر قوانین عادی کشور محسوب می شوند با بنیاد نهادن رویه ای محکم و استوار درخواستهای راجع به خسارات معنوی را پذیرا شوند و بکوشند تا موجبات احقاق حق مطلوب افراد جامعه را در این قلمرو فراهم سازند.

۳- مأمورین اجرائی کشور ضمن حفظ حرمت و کرامت انسانی آحاد ملت در مراجعات آنها به دستگاههای اجرائی بکوشند با صدور دستورالعملها و بخشنامه های روشن موجباتی فراهم آورند تا از هتک حرمت به انسانها جلوگیری به عمل آید و عاملین این گونه حرمت شکنی ها را نیز به مقامات قضائی تحویل دهند.

منابع و یادداشتها:

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۱. قانون مؤسسه حقوقی مدنی ۱۳۳۹، مواد ۱۰ و ۱۰۰. قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۳۵، ماده ۹/ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، ماده ۵۸. قانون مطبوعات ۱۳۶۴: تبصره یک ماده ۳۰. ۲- لازم به تذکر است که خساراتی از قبیل خسارت وارده به حقوق معنوی یا اعتبارات شخصی و اجتماعی مانند تجاوز به حق تصنیف یا تالیف و یا سوء استفاده از حق مالکیت صنعتی، مانند علائم تجاری و غیره از مصادیق خسارات معنوی محسوب نمی شود بلکه از مصادیق زیانهای مادی است. البته سوء استفاده از بعضی انواع حقوق معنوی مانند حق جرح و تعدیل آثار ادبی یا حق ذکر نام مؤلف بر آثار ادبی و هنری از مصادیق خسارت معنوی محسوب می شود که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است. ۳- احمد ادریس، عوض، دیه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۶.

۴- جعفری لنگرودی، محمدحسن، ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۶، ص ۴۱۶. ۵- حسینی نژاد، حسینقلی، مؤسسه حقوقی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، ص ۷۰. ۶- کاتوزیان، ناصر. ضمان قهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۴۴. ۷- در این خصوص در سطور آینده توضیح بیشتری داده شده است. ۸- لایضار کاتب و لاشهید آیه ۲۸۴ سوره بقره. ۹- بخش اعظم این گونه آیات در مقام بیان احکام قصاص و دیات عنوان گردیده است. از جمله آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ در سوره بقره و آیه ۵۴ سوره مائده و آیه ۹۲ از سوره نساء. بر صاحب نظران پوشیده نیست که آیات مزبور حاوی روشهایی است که به منظور جبران خسارات معنوی ناشی از جرائم و جنایات وارد بر اشخاص بیان گردیده است. ۱۰- شیخ حر عاملی. وسائل الشیعه ج ۱۷، کتاب احیاء موات باب ۱۲. تهران: ۱۳۶۷، ص ۳۴۱. ۱۱- منبع شماره ۱۰ ج ۱۹ باب موجبات ضمان، ص ۱۸۲ (این روایت به روایت حلبی معروف است). ۱۲- منبع شماره ۱۰ (این روایت به روایت ابی الصباح شهرت دارد). ۱۳- نجفی خونساری، شیخ موسی، منیه الطالب ج ۲. نجف: انتشارات مؤسسه، ۱۳۵۸، ق، ص ۱۹۸. ۱۴- مراغی، میرعبدالفتاح. عنوانین. چاپ سنگی، ص ۹۸. (فائد نام ناشر و تاریخ انتشار) ۱۵- آیه اله مکرم شیرازی، قواعد الفقهیه ج ۱. قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۱، ق، ص ۵۵. ۱۶- منبع شماره ۶، ص ۳. ۱۷- اشاره به واقعه ایست تاریخی که در آن شخصی بنام سمره بن جندب (که با خاندان پیامبر اسلام (ص) دشمنی داشت) جهت سرشکی و آبیاری درخت نخلی که در محوطه منزل مسکونی یکی از یاران پیامبر (ص) قرار داشت بدون رعایت حرمت حریم خانوادگی صاحب خانه سرزده وارد می شود. این عمل مورد شکایت صاحب خانه واقع شد و حضرت پیامبر (ص) در مقام قضاوت و یا اعمال حق حکومت بر امت پس از نوبت شدن از ارشاد صاحب نخل در رعایت حرمت صاحبخانه وی را شخصی مزاحم خواندند و دستور دادند درخت نخل را بکنند و بیرون بیاورند. به همین مناسبت قاعده های را تشریح فرمودند که به قاعده «لا ضرر» شهرت یافت. ۱۸- منبع شماره ۱۴، ص ۱۱۲. ۱۹- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب. تبریز: چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ ه. ق، ص ۳۷۲. (در این مأخذ این نظر به بعضی فقهای بزرگ منتسب شده است، با تحقیقی که به عمل آمد ظاهراً این نظر فقیه بزرگ فاضل تونی است که از فقهای زمان است.) ۲۰- منبع شماره ۱۴، ص ۱۱۱. متن عبارت عناوین چنین است: «ان المتبادر من هذا النصوص... وقع الضرر علی من اضره» ۲۱- موسوی بجنوردی، سیدحسن، قواعد فقهیه ج ۱. قم: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۱، ق، ص ۶۳. ۲۲- آیه اله مرعشی، محمد حسن، دیه و ضرر و زیان ناشی از آن. مجله قضائی و حقوقی دادگستری. شماره ۱، سال ۱۳۷۰، ص ۱۹. ۲۳- احمد السنهوری، عبدالرزاق. الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید ج. اول، قاهره: دارالنشر لجماعات المصریه، ۱۹۵۲، ص ۸۶۶. ۲۴- منظور از شیوع زمینه های خسارات معنوی این است که در بعضی جوامع از جمله جامعه ایران علیرغم مبتنی بودن بر مکتب الهی و انسانس اسلام کرامت و حرمت افراد به نحو شایسته رعایت نمی شود. بعضی ردایب اخلاقی که صدمات جبران ناپذیری بر حیثیات و روحیات افراد دیگر وارد می سازد متداول است. شاید کمتر روزی بر ما بگذرد که با افترا یا تهمت یا شایعه سازی مورد بی احترامی دیگران قرار بگیریم. با احیاناً خود عامل ابراز خسارت معنوی نباشیم و این خود موضوع دیگری است که عملاً باید به وسیله جامعه شناسان و روانشناسان بررسی و تحلیل شود.

۲۵- الف: ذیل ماده ۸ قانون مؤسسه حقوقی مدنی مقرر می دارد: ... شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، منتشرانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می تواند موقوف شدن عملیات مزبور از خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید. ب: عاملی، مجله کانون وکلا، شماره ۶۶، سال ۱۳۳۸، ص ۷۵. ۲۶- ماده ۱۰ قانون مؤسسه حقوقی مدنی: کسی که به حیثیت و اعتبارات او لطمه وارد شود و دادگاه می تواند... حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. ۲۸- ذیل اصل ۱۷۱ قانون اساسی. ۲۹- ماده ۱۰ قانون مؤسسه حقوقی مدنی. ۳۰- منبع شماره ۱۳ ج ۲، ص ۱۹۸. ۳۱- منظور از خسارات دیده کسی است که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد فشار روحی یا عاطفی یا صدمات معنوی دیگر قرار گرفته است. با این توضیح ممکن است از مجروح شدن یا فوت یک نفر افراد متعددی دچار خسارات معنوی شوند و ادعای خسارت نمایند. ضوابط حاکم بر چگونگی تعیین افرادی که محق در خواست خسارت معنوی هستند درجات خود بحث شده است. جهت مطالعه بیشتر رک به منبع شماره ۶، ص ۱۵۴ به بعد.

32-Viney. G.Traite de Dorit Civil. Paris Jurisprudence. Librairie General de Droit et 205. 1988.p

۳۳- منبع شماره ۳۲، ص ۲۰۶. ۳۴- منبع شماره ۳، ص ۷۲. ۳۵- منبع شماره ۳، ص ۳۱۸. ۳۶- منبع شماره ۲۵ بند (ب)، ص ۷۰. عین عبارت منقول از کاپیتان چنین است: argent set dans la viw a panser bien des L blessures ۳۷- منبع شماره ۲۵ بند (ب)، ص ۷۰. ۳۸- منبع شماره ۵، ص ۷۰. ۳۹- منبع شماره ۶، ص ۱۵۱. ۴۰- منبع شماره ۲۶، صص ۸۶۷-۸۶۸. ۴۱- در نهایت متن تبصره مصوب بدین صورت است: در موارد فوق شاکي (اعم از حقیقی یا حقوقی) می تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نماید و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید. ۴۲- رک. مهرپور، حسین. مجموعه نظرات شورای نگهبان ج ۲. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱، ص ۳۴۰ به بعد. ۴۳- ماده ۲۹۴ مقرر می دارد: دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا ولی یا اولیاء دم او داده می شود و در ماده ۲۹۵ نیز آمده است: د موارد زیر دیه پرداخت می شود: الف: قتل یا جرح یا نقض عضو که به طور خطا محض واقع می شود و آن... ب: قتل یا جرح یا نقض عضو که به طور خطا شبه عمد واقع می شود... ج- مواردی از جنایات عمدی که قصاص در آنها جایز نیست. ۴۴- طبق روایات معتبر و فتاوی فقها ارزش مقدار مالی است که مجرم بابت جبران ضررها و زیانهای وارده بر بدن در مواردیکه دیه تعیین نشده به مجنی علیه یا قائم مقام او می پردازد. ۴۵- آیه ۱... مرعشی، محمد حسن، مجله قضائی و حقوقی دادگستری. شماره ۱، سال ۱، پائیز ۱۳۷۰، ص ۱۴. منظور نویسنده محترم از اصطلاح در مقابل در این نوشته ظاهراً در عرض یا مترادف است و به معنی مقابله یا تباین نیست. ۴۶- شهری، علیرضا (سرورس ستوده جهرمی). نظریات اداره حقوق قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری در سال ۵۸ تا ۷۱ ج اول. تهران: شماره ۲، بهار ۱۳۷۲، ص ۷۱. شماره نظریه ۷/۵۹۴۷/۲۰/۳۰. ۴۷- منبع: مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز- شماره های اول و دوم، پاییز ۱۳۶۷ و بهار ۱۳۷۷ (پایه ۲۵ و ۲۶)